

مزار پیرمراد، منظر فرهنگی - آیینی شهرستان بانه*

فروش مخلص**

احمدعلی فرزین***

شهره جوادی****

چکیده

منظر فرهنگی مفهومی دربردارنده ارزش‌های فرهنگی - طبیعی بوده که حاصل تعامل میان انسان و طبیعت در طول تاریخ است. علاوه بر این مناظر فرهنگی دربرگیرنده، حافظ و بیانگر هویت و تاریخ یک منطقه و ساکنین آن هستند و از این رو حفاظت از مناظر فرهنگی و ارزش‌های آن از اهمیت به سزایی برخوردار است. منظر فرهنگی، منطقه‌ای جغرافیایی را شامل می‌شود که در آن آثار فرهنگی و جلوه‌های طبیعی با رویدادهای تاریخی و فعالیت‌های انسانی درهم آمیخته است. این مفهوم در عرصه میراث بین‌المللی شرح و بسط پیدا کرده و به عنوان بخشی از تلاش‌های صلح‌جویانه جهانی مطرح می‌شود. منظر فرهنگی، منظری طبیعی است که با فعالیت گروهی انسانی شکل پیدا کرده و می‌تواند از مناطق شهری و تاریخی وسیع تا یک مزرعه کوچک را دربرگیرد.

محوطه مزار پیرمراد در پیوند با طبیعت پیرامون شهرستان بانه، به عنوان منظر فرهنگی ارگانیک، یکی از مکان‌های آیینی در این شهرستان است، که بر اساس ویژگی‌های جغرافیایی و ارتباط نزدیک با طبیعت از یک سو و قرارگرفتن در حاشیه شهر از سوی دیگر، به نقطه عطفی از نظر مذهبی و تفریحی در زندگی مردم تبدیل شده است.

هدف اصلی در پژوهش حاضر بیان مبانی و مفاهیم فرهنگی - آیینی متبلور در منظر طبیعی ایران است که تداوم باورهای آیینی کهن را در دوران اسلامی و تا کنون جلوه‌گر ساخته است. سعی بر آن است با بررسی نمونه موردی مزار پیرمراد تداوم فرهنگ و آیین که از میراث با ارزش این خطه باستانی است نشان داده شود. پیوند با طبیعت، نیازهای روحی و فیزیکی استفاده‌کنندگان را برآورده می‌سازد و همین امر باعث بقا و تداوم آن در طول زمان و شاخص شدن آن به صورت مجموعه‌ای واحد شده است. به کمک بازشناخت این ساختار می‌توان در ساماندهی منظر فرهنگی و هماهنگ با نظام طبیعت در زندگی امروز بهره‌برداری لازم از این سایت فرهنگی - طبیعی را به عمل آورد.

واژگان کلیدی

منظر فرهنگی، منظر طبیعی، مزار پیرمراد، ادراک فضا، هویت مکان.

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد معماری منظر «فروش مخلص» با عنوان «طراحی منظر مجموعه پیرمراد بانه با رویکرد احیای منظر فرهنگی» است که به

راهنمایی دکتر «احمد علی فرزین» و مشاوره دکتر «شهره جوادی» در پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران انجام شده است.

** کارشناس ارشد معماری منظر، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران. نویسنده مسئول ۰۹۳۵۸۶۸۳۹۸۱

farnooshmoghles@ymail.com

*** دکتری معماری، استادیار دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران aafarzin@hotmail.com

**** دکتری تاریخ هنر، استادیار گروه مطالعات عالی هنر، پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران و عضو هیئت علمی مرکز پژوهشی نظر Javadi1336@gmail.com

مقدمه

کمیته میراث جهانی یونسکو، منظر فرهنگی را به عنوان تمایز جغرافیایی سرزمین‌ها یا ویژگی منحصر به فرد آن، چنین تعریف کرده است: نمایشی مرکب از آثار «طبیعی و انسانی» (Fowler, 2003: 15).

منظر فرهنگی، مکان تجلی طبیعت و فرهنگ در گذر زمان است. عملکردهای فرهنگی و احساسی را به اندازه عملکرد فیزیکی تأمین می‌کند و غالباً از هویت و کیفیت مکانی خوبی برخوردار است. حیات فرهنگی و طبیعی مکان‌های تاریخی به عنوان یکی از موارد اصلی در منظر فرهنگی مورد بررسی قرار می‌گیرد. مطمئناً عملکردهای رفتاری مردم در فضاهای تاریخی و فرهنگی با رشد تکنولوژی و تراکم بالای جمعیتی و براساس سطح الگوهای رفتاری مردم در جوامع مختلف و در طول تاریخ متفاوت بوده است. مکان‌های آیینی در گذشته از قابلیت‌های رفتاری و اجتماعی بالایی برخوردار بودند و تشکیل قرارگاه‌های رفتاری در مراکز مذهبی از اصلی‌ترین الگوهای مردم در داخل کانون زیستی خود و برای کلیه اقشار جامعه به شمار می‌رفت. هر کالبد اجتماعی-مذهبی، سیستمی از الگوهای واحد است که تحت تأثیر رویدادها، فرهنگ‌ها و فعالیت‌های اجتماعی شکل می‌گیرد. بنابراین ایجاد قرارگاه‌های رفتاری در محیط‌های کالبدی مذهبی، زمینه با ارزشی از تجربه زندگی روزمره مردم فراهم می‌کند و امکان برخوردها و تجارب روحی، فرهنگی و اجتماعی را میسر می‌سازد. در چار چوب نظری منظر فرهنگی، مجموعه مزار پیرمراد به عنوان یک مجموعه زیارتی چند صد ساله، در زمره مناظر فرهنگی قرار دارد.

بقا و تداوم پیرمراد در بانه، روایت منظر فرهنگی-آیینی در منطقه است. حفاظت از منظر فرهنگی مجموعه مزار پیرمراد، منوط به حفاظت از ویژگی‌های فرهنگی، طبیعی و کالبدی پیرمراد به شکل توأمان است. مجموعه‌ای از هویت‌های مستقل که هر کدام منشا تاریخی، کاربردی و فرهنگی مستقل دارند. این جستار در پی این است که با بیان مفاهیم و مبانی منظر فرهنگی و بررسی مزار پیرمراد به عنوان مصداقی فرهنگی - آیینی از یک زیارتگاه باستانی در منطقه، بر این اصل تأکید کند که منظر فرهنگی ریشه در تفکرات آیینی مردم هر منطقه دارد و در پیوند با طبیعت تعریف می‌شود.

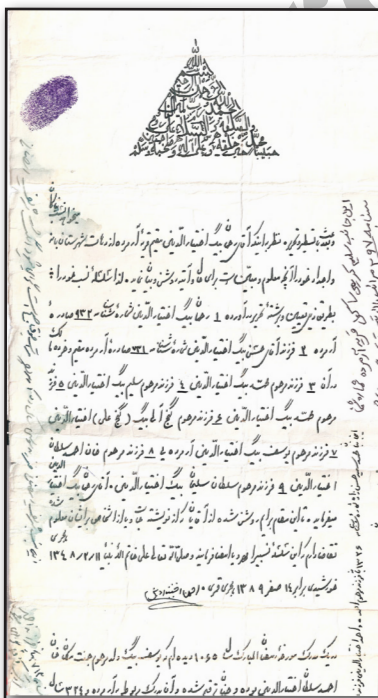
روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله از نوع توصیفی - تحلیلی و جمع‌آوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای و میدانی است. در این پژوهش به منظور شناخت منظر فرهنگی و جنبه‌های مفهومی و کارکردی آن، با استفاده از روش تحلیلی و مطالعه کتابخانه‌ای به بررسی منظر فرهنگی و عوامل تأثیرگذار بر حیات آن پرداخته و برای ارایه و تفسیر نمونه موردی از مطالعات میدانی استفاده شده است.

تاریخچه

از تاریخ پیش از اسلام شهرستان بانه اطلاعات چندانی در دست نیست و براساس مدارک موجود در این زمینه شهرستان بانه سکونتگاه زرتشتیان بوده است که در زمان خلیفه دوم مسلمین به اسلام روی آورده و از طرف سپاه اسلام به «اختیارالدین» ملقب شده‌اند. «اختیارالدینی‌ها» تا مرگ کریم‌خان، آخرین حکم‌دار اختیارالدینی در بانه در ۱۳ ذی‌الحجه ۱۲۸۹ هجری قمری بر بانه فرمانروایی کرده‌اند. معتبرترین سندی که درباره فرمانروایان اختیارالدینی بانه در دست است، «شرفنامه» تاریخ کردستان است که در سال ۱۰۰۵ هجری قمری به قلم امیرشرف‌خان نگاشته شده است. زیارتگاه‌ها همیشه یکی از عناصر اصلی تشکیل‌دهنده مجامع زیستی بوده است و به دلیل اهمیت این اماکن، چنین به نظر می‌آید اختیارالدینی‌ها برای حفظ و نگهداری از زیارتگاه‌های باستانی خود اقدام به تغییر نام آنها کرده‌اند که بیشتر این زیارتگاه‌ها با نام صحابه پیامبر و ملقب به پیر اسم‌گذاری شده‌اند. این امر نشان از تقدس و اهمیت آیین در زندگی مردم دارد که با وجود تغییر آیین‌ها این اماکن هنوز به حیات خود ادامه می‌دهند (تصاویر ۱ تا ۳).

در شهرستان بانه مجموعه سه‌گانه فرهنگی - مذهبی، به نام صحابه پیامبر قرار دارد که تاریخ باستانی آنها حداقل به دین زرتشت باز می‌گردد. این مکان‌ها عبارت است از سلیمان‌بن‌میرزابیگ در شمال غربی بانه، پیرمراد در جنوب شرقی و کانی سبز (چشمه سبز) در جنوب. مدارک دقیقی در زمینه تاریخ و پیشینه پیرمراد در دست نیست اما بر پایه پاره‌ای اسناد و اقوال عامه، پیرمراد قدمتی طولانی‌تر از سلیمان بیگ حاکم وقت خاندان اختیارالدینی‌های بانه



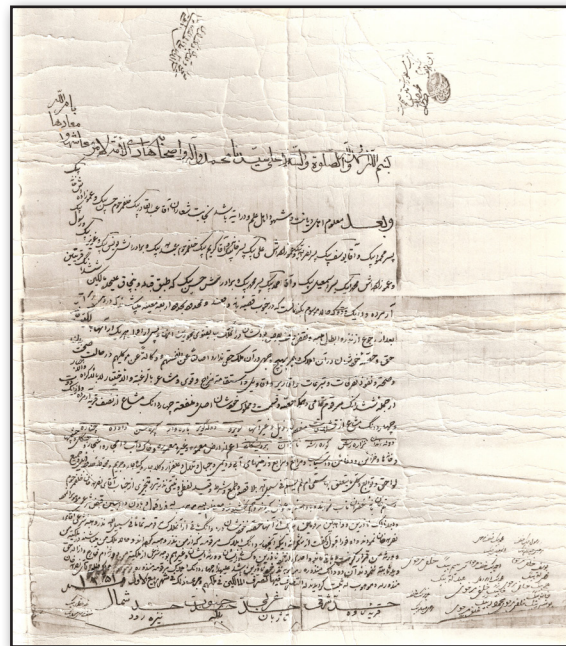
تصویر ۱. نسب نامه آقای رحمان اختیار دینی شهر آرموده، بانه. مأخذ: آرشیو مصطفی اختیار دینی.

Fig. 1. Rahman Ekhtiardini's family tree, Armardeh, Baneh City. Source: Mostafa Ekhtiardini's Archive.

دارد که در سال ۱۰۱۰ هجری فوت کرده است (تصاویر ۴ تا ۶). نزدیک‌ترین تاریخی که از پیرمراد در دست است و ثبت شده مربوط به ۴۰۰ سال پیش است که در این اسناد نیز از وجود پیرمراد در گذشته دور یاد می‌کند. این مقبره تا اوایل انقلاب، بقعه و ساختمانی نداشت. در جوار این مرقد، چشمه‌ای معروف به پیرمراد و درخت ۵۰ ساله گردو وجود دارد که جایگزین درخت کهنسال چنار در این سایت شده است. قرارگیری مزار پیرمراد در کنار آب، کوه و درخت که در بیشتر زیارتگاه‌های مقدس



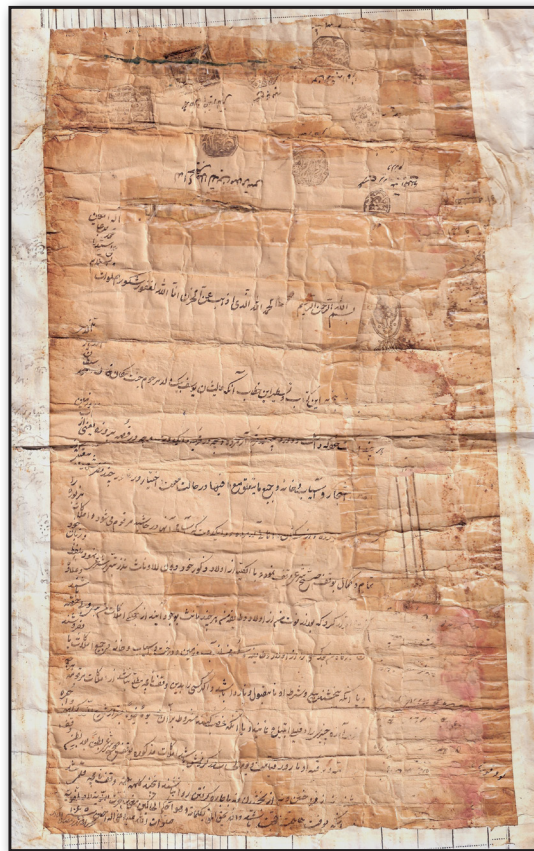
تصویر ۴. زیارتگاه کانی سبز (چشمه سبز) از زیارتگاه‌های باستانی در بانه، کردستان. ایران. عکس: فرونش مخلص، ۱۳۹۱.
Fig.4. Kani Sabz Shrine (Green Spring), an ancient shrines in Baneh, Kurdistan. Iran. Source: Farnoosh Mokhles, 2011.



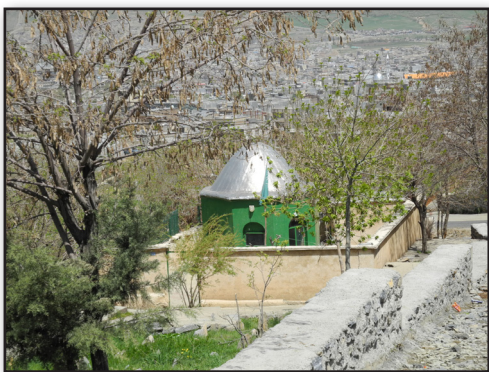
تصویر ۲. سند مالکیت اختیار دینی‌ها، متعلق به سال ۱۳۵۱. مأخذ: آرشیو مصطفی اختیار دینی.
Fig. 2. Rahman Ekhtiardi's title deed, 1972. Source: Mostafa. Ekhtiardi's Archive.



تصویر ۵. مزار سلیمان بیگ، بانه، کردستان. ایران. عکس: فرونش مخلص، ۱۳۹۱.
Fig.5. Sulaiman Baig shrine, ruler of the Ekhtiardi (died in 1010 Lunar year), Baneh City. Source: Farnoosh Mokhles, 2011.



تصویر ۳. ملک موقوفی متعلق به خانواده اختیار دینی‌ها در شهر آرموده، بانه ۱۰۶۵ ه. ق. مأخذ: آرشیو مصطفی اختیار دینی.
Fig. 3. Endowed property belongs to Ekhtyardyny's families in Armardeh, Baneh City, 1065. Source: Mostafa. Ekhtiardi's Archive.



تصویر ۶. محوطه مزار پیرمراد در جنوب شرقی بانه، کردستان. ایران. عکس: فرونش مخلص، ۱۳۹۱.
Fig.6. Pir-e Morad Shrine yard, South East of Baneh City. Source: Farnoosh Mokhles, 2011.



تصویر ۸. مزار پیرمراد در سال ۱۳۷۰. مأخذ: آرشیو فرنوش مخلص.
Fig. 8. Pir-eMorad grave yard 1370. (1991), Reference: Author.
Source: Farnoosh Mokhles' archive.



تصویر ۹. مداخلات مستقیم در طبیعت و بدون در نظر گرفتن تاریخ و هویت مکان پیرمراد که موجب خراب شدن محوطه اطراف مزار و تک افتادن بنا شده است. مأخذ: آرشیو فرنوش مخلص.
Fig. 9. Pir-eMorad Shrine, 1991. Source: Farnoosh Mokhles' archive.

است که در پی این تعریف، تمامی باورها، مفاهیم و سنن مردم در حوزه منظر فرهنگی قرار می‌گیرد. منظر فرهنگی یک لایه جغرافیایی است که شامل منابع طبیعی و منابع فرهنگی در پیوند با یک واقعه تاریخی، فعالیت انسانی یا شخص است. گاهی اوقات منظر فرهنگی ناشی از فعالیت، یا ایده یک شخص و یا گروهی بر روی زمین بوده و در یک دوره خلق می‌شوند. این زمین‌ها شامل املاک بزرگ و باشکوه، زمین‌های کشاورزی، باغ‌های عمومی و یا پارک‌ها، پردیس‌های دانشگاهی، گورستان‌ها، بزرگراه‌ها و حتی سایت‌های صنعتی هستند. در برخی از انجمن‌های هنری، مفهوم منظر فرهنگی از دیدگاه نظریه‌پردازان، به عنوان یک سطح محاط‌شده شبیه به یک نقشه و یا متن تلقی می‌شود که در آن اشکال اجتماعی و معانی فرهنگی در یک جامعه با تعامل بین فعالیت‌های انسانی و زیستگاه طبیعی در نظر گرفته می‌شود و در معنای گسترده‌تر کل سطح اشغال‌شده، شامل تعامل شیوه‌ها، باورها، آیین، مفاهیم و سنن مردم در یک منظر فرهنگی است.

ایران باستان دیده می‌شود و هم‌جواری مجموعه در کنار سایت تفرجی دکانان که یادگاری از دوران حاکمیت آیین زرتشت در این منطقه است گواهی روشنی بر باستانی بودن این مکان است. بر اساس گفته عالمان و تاریخ‌نویسان شهرستان بانه و محققین فرهنگ و آیین ایران باستان^۱ و شواهد موجود، احتمال قریب به یقین این بنای زیارتی و مقدس در زمان حاکمیت زرتشتیان و رونق تخت‌گاه حکومتی دکانان^۲ آتشکده بوده که در طول حیات خود به دلایل سیاسی و اجتماعی حاکمان وقت، کالبد آن تغییر کرده است به دلیل تقدس این مکان، از گذشته تا به امروز مجموعه پیرمراد با وجود تغییر دین و آیین‌ها همچنان به حیات آیینی و فرهنگی خود ادامه داده است (تصاویر ۷ تا ۹).

پیش‌درآمدی بر منظر فرهنگی

از سال ۱۹۰۸ میلادی واژه «منظر فرهنگی» مورد استفاده بوده است تا اینکه در سال ۱۹۹۲ میلادی کمیته میراث جهانی، منظر فرهنگی را به عنوان بخشی از میراث جهانی تعریف و ثبت کرد. اولین تعاریف منظر فرهنگی که توسط «کارل سوئر» متخصص



تصویر ۷. درخت قدیمی چنار در کنار مزار پیرمراد در سال ۱۳۳۸. مأخذ: آرشیو عکاسی آربابا.

Fig. 7. The old sycamore tree near Pir-eMorad Shrine, 1959. Source: Arbaba's archive.

جغرافیای انسانی ارایه شده است، چنین است: "منظر فرهنگی، یک منظر طبیعی است که به وسیله گروهی انسانی شکل پیدا کرده است. فرهنگ نقش عامل را دارد و طبیعت نقش واسطه را و منظر فرهنگی ماحصل آن است." (Fowler, 2003: 17). منظر فرهنگی تعاملی بین فعالیت‌های انسانی و زیستگاه‌های طبیعی

از مناظر فرهنگی معرفی می‌شود :

۱. منظر محوطه‌های باستانی
۲. منظر تاریخی انسان‌ساخت : به صورت آگاهانه و بر اساس پیشینه تاریخی توسط یک معمار و با توجه به اصول طراحی و منظرپردازی و توجه به سنت‌های گذشته طراحی شده و برای ارتباط با رویدادهای تاریخی و فعالیت‌های انسانی در یک مکان مشخص و تعریف شده است.
۳. منظر زبان بومی : منظری که از طریق فعالیت و اشتغال مردم تکامل پیدا کرده و به لحاظ ارتباط با نگرش‌های اجتماعی و فرهنگی یک فرد، خانواده و یا جامعه، نشان‌دهنده شخصیت فیزیکی، بیولوژیکی و فرهنگی منظر آن است.
۴. منظر قوم‌نگارانه : به عنوان یک منبع میراث ملی و فرهنگی، شامل تنوعی از منابع طبیعی و فرهنگی مردم در ارتباط با آداب، رسوم و فرهنگ‌های غالب آن منطقه است.

منشورهای جهانی مرتبط با موضوع

- عهدنامه حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان در سال ۱۹۷۲
- منشور فلورانس (در زمینه باغ‌های تاریخی)، مصوب ۱۹۸۲ ایکوموس
- قطع‌نامه ونیز در سال ۱۹۶۴
- بیانیه مکزیکوسیتی ۱۹۹۹
- در منشورهای جهانی ذکر شده، قطعنامه ونیز و بیانیه مکزیکوسیتی بیانی روش و شفاف‌تر از منظر فرهنگی در حوزه مورد بررسی ارائه می‌دهد. سعی بر آن است تا با بررسی مفاد این دو منشور به راهکاری درست در زمینه حفاظت منظر فرهنگی مزار پیرمراد دست پیدا کنیم.
- **قطع‌نامه ونیز در سال ۱۹۶۴**
- این قطع‌نامه سعی می‌کند با تعریفی دقیق‌تر از میراث طبیعی و فرهنگی جهان، محافظت از بناهای تاریخی را مستلزم محافظت از شرایط محیطی آن دانسته و اثر را جزیی از محیطی که آن را در بر گرفته تلقی کند. لذا توصیه به حفظ و حراست زیبایی چشم‌اندازها و محوطه‌ها دارد.
- **بیانیه مکزیکوسیتی ۱۹۹۹**
- این بیانیه که در دوازدهمین مجمع عمومی ایکوموس در مکزیکوسیتی ارائه شد و به عنوان بیانیه بین‌المللی گردشگری فرهنگی شناخته می‌شود، بر مفهوم جامع و جهانی میراث و تعامل آن با گردشگری تأکید دارد و آن را وسیله‌ای برای تبادل فرهنگی تلقی می‌کند. طبق این بیانیه فعالیت‌های گردشگری و حفاظتی در مجموعه‌های تاریخی باید با احترام به علایق و خواست‌های مردم محلی و منطقه‌ای و در جهت ارتقای سطح زندگی آنها باشد. به طور خلاصه این بیانیه نکات اساسی ذیل را مورد توجه قرار داده است :
- ارزیابی مداوم اثرات گردشگری و مجمع‌های میراث فرهنگی

منظر فرهنگی از تعامل منظر طبیعی با گروهی انسانی ساخته می‌شود که تحت تأثیر یک فرهنگ خاص، در طول زمان در حال تغییر است. با توسعه دنیای امروز و صنعتی‌شدن جوامع بشری، مناظر فرهنگی با تداخل فرهنگ‌های مختلف و بیگانه با زمینه آن در حال تغییر و جوان‌سازی است که در پایان این چرخه تغییر، منظر فرهنگی، بقای خود را در پی شکل‌دهی یک منظر جدید با تعاریف جدید از دست می‌دهد. در تعریف قدیمی منظر فرهنگی، در زیر مجموعه منظر طبیعی آن، عواملی چون عوارض زمین، آب، کیفیت خاک، گیاهان و حیوانات از نیازهای شکل‌دهی طبیعت به شمار می‌رفتند و پاسخ‌های انسان و سازگاری او با عوامل طبیعت در قالب فعالیت‌های انسانی، سازنده منظر فرهنگی بود. اما در زندگی مدرنیزه امروز به دنبال جایگزینی عوامل طبیعت که در طول زمان صورت گرفته، در تعریف جدید آن مداخلات مستقیم، شتاب‌زده و سلیقه‌ای انسان در طبیعت جای منظر طبیعی را گرفته است. مناظر فرهنگی، حاصل مداخله گروهی فرهنگی در یک منظر طبیعی است که تحت تأثیر یک فرهنگ خاص در طول زمان تغییر کرده است و در هر دوره‌ای این منظر باید پاسخگوی نیازها و سازگار با فعالیت‌های انسانی در جامعه در حال توسعه باشد. در واقع مناظر فرهنگی، حس مکان و هویت یک محیط را فراهم می‌کنند که در ارتباط با تغییرات زیست‌محیطی در طول زمان و منطبق با نیازهای فرهنگی انسان است و بخشی از زندگی و میراث ملی ما را تشکیل می‌دهد. روایت هر کدام از این مناظر فرهنگی نیز به هویت منطقه و روایت فرهنگ‌ها و باورها در آن منطقه بستگی دارد و جریان زندگی در این مناظر از رویدادهای مهم و فعالیت‌های فردی یا گروهی جامعه استفاده‌کننده، تأثیر می‌پذیرد.

کمیته میراث جهانی، منظر فرهنگی را به سه دسته اصلی تقسیم کرده است، این تقسیم‌بندی از راهنمای اجرایی کمیته میراث جهانی اقتباس شده که شامل موارد زیر است (Fowler, 2003: 18-20):

۱. منظره‌ای که آگاهانه به وسیله انسان طراحی و خلق شده باشد.
۲. منظر تکاملی اصیل که ممکن است منظره‌ای به‌جامانده از گذشته یا منظره‌ای تداوم پیدا کرده از گذشته تاکنون باشد. این شکل منظر، از تعامل بین معیشت و آداب و آیین‌های جوامع ابتدایی، با طبیعت به وجود آمده و شامل دو گونه است :
- منظر میراثی (فسیلی) که در یک فرآیند تکاملی در گذشته شکل گرفته و اکنون ویژگی‌های معنادار و مشخص آن در محیط باقی مانده و فرآیند تکامل، در گذشته خاتمه یافته است.
- منظر مستدام (پایدار) که نقش اجتماعی فعال در زندگی امروز دارد و از سنت‌های گذشته باقی مانده است. تکامل آن هنوز ادامه دارد و آثار و شواهد آن قابل شناسایی است.
- ۳- منظر فرهنگی مشترک (مختلط) که ممکن است به خاطر آیین‌ها، هنرها و آمیزش فرهنگ با عناصر طبیعی واجد ارزش شده باشد. در یک تقسیم‌بندی دیگر در ایالات متحده آمریکا، چهار نوع کلی

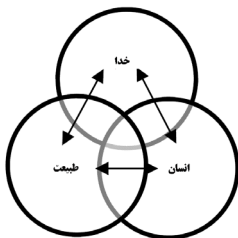
مهم منظر را شکل داده است. بر پایه گرایش‌های فرهنگی و رویدادهای تاریخی یک جامعه، منظر، ویژگی‌های فیزیکی، زیستی و فرهنگی زندگی روزمره آن جامعه را منعکس می‌کند. منظر فرهنگی در پیوند با طبیعت و در طول تاریخ شکل می‌گیرد و حیات می‌یابد و این مناظر شامل میدان جنگ، قصرها، قلعه‌ها و به وجود آمدن منطقه‌ای زیستی بر مبنای اسطوره و یا یک افسانه حماسی، هستند.

برای درک بهتر رابطه فضاهای انسان‌ساخت با محیط ابتدا بایستی به دیدگاه انسان در مورد طبیعت نظر داشت. اساس ساختن، مداخله در طبیعت است. نوع این مداخله ارتباط بسیار نزدیک با طرز تفکر انسان در مورد طبیعت دارد. در بسیاری از فرهنگ‌های شرقی، ارتباط کاملاً نزدیکی بین انسان و طبیعت وجود داشته و انسان خود را جزئی از طبیعت می‌دانسته و این رابطه امکان زندگی را هم به انسان و هم به طبیعت می‌داده است. در قرون وسطی ارتباط بین انسان و طبیعت به گونه‌ای بوده که طبیعت را مذموم و جایگاه شیطان می‌دانسته‌اند که انسان را اغوا می‌کند. پس از رنسانس کم‌کم به طبیعت به گونه‌ای دیگر نگرین شده تا جایی که داوینچی می‌گوید: "نقاشی فرزندزاده طبیعت است" (کلارک، ۱۳۷۰).

از آن پس به تدریج طبیعت در تفکر عقل‌گرای اروپا مطرح می‌شود، جایگاه انسان در طبیعت تبیین می‌شود و هنر نیز روی به طبیعت‌گرایی می‌آورد. چنین ارتباطی بین انسان و طبیعت در جوامع غربی وجود داشت و بعدها این ارتباط از طریق مسیحیت تبدیل به یک ارتباط مثالی شد: براساس این تفکر، خداوند طبیعت را خلق کرده و بشر باید از آن استفاده کند (کرت گروتز، ۱۳۸۶: ۱۴۷-۱۴۶)؛ (نمودار ۱ و ۲).

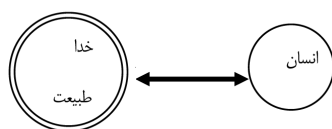
چرا حفاظت از منظر فرهنگی مهم است؟

مناظر فرهنگی نشان از جاذبه و ریشه‌های فرهنگی و آیینی کشور و منطقه و نیز توسعه جامعه انسانی و روابط در حال تحول ما با جهان طبیعی دارد. این مناظر با تأمین اهداف اقتصادی، زیست



نمودار ۱. مدل غربی رابطه انسان، خدا، طبیعت.

مأخذ: فرونش مخلص.
Diagram 1. West Shot. Source: Farnoosh Mokhles.



نمودار ۲. مدل شرقی انسان، خدا، طبیعت.

مأخذ: فرونش مخلص.
Diagram 2. East Shot. Source: Farnoosh Mokhles.

و تاریخی.

- توجه به مرمت مکان‌ها، فعالیت‌های معنوی و هدایت گردشگران برای احترام به این ارزش‌ها از طریق اطلاع‌رسانی مداوم.
- مشارکت مردم محلی در برنامه‌ریزی‌های گردشگری و مرمت
- توجه به ترویج گردشگری فرهنگی پایدار در مجموعه‌های تاریخی.
- ارتقای گردشگری با توجه به ویژگی‌های میراث طبیعی و فرهنگی و ظرفیت‌های محیطی

عناصر تشکیل دهنده مناظر فرهنگی؛ طبیعت، تاریخ، فرهنگ

برای تحلیل و بررسی یک منظر فرهنگی قبل از بررسی عناصر تشکیل دهنده آن باید ارزش‌ها و منابع موجود در سایت مورد بررسی قرار گیرد و با تحلیل اطلاعات جغرافیایی و دسته‌بندی کردن آنها در مقیاس‌های خرد و کلان به تناسب هویت منطقه آن از لحاظ طبیعی، تاریخی و فرهنگی بررسی شود. برای داشتن نگاهی درست به تفاوت‌ها و جریان زندگی در سایت باید نگاهی تحلیل‌گرا از درون به بیرون سایت و بالعکس داشت. طبیعت را می‌توان از مهم‌ترین پدیده‌های هستی دانست که حیات در درون آن تجلی پیدا کرده و در چگونگی تداوم آن نقش اساسی و اصلی ایفا می‌کند. مفهوم طبیعت در تاریخ دچار فراز و نشیب‌های زیادی بود و در نهایت به گرامی‌ترین عنصر مرتبط با حیات انسان بدل شد. این ارتقای مقام نه تنها در ارزش‌های مادی نهفته در آن بود، بلکه معنای جدیدی در ذهن و زندگی و رفتارهای انسانی نیز تولید کرد.

تمدن بشری با تلاش انسان برای ارتباط و بهره‌گیری از طبیعت و درک آن آغاز شد. طبیعتی که به سادگی برای او دریافتی نبود. شاید بتوان گفت در کل فرایند پیشرفت و شکل‌گیری تمدن‌ها، توسعه و فعالیت‌های انسانی غالب بوده و منظر به وجود آمده بیشتر فرهنگی است تا طبیعی. برای دریافت صحیح ارتباط بین فرهنگ و طبیعت نیاز به شناسایی الگوهاست. منظر طبیعی جایی است که هیچ‌گونه مداخله انسانی در آن صورت نگرفته باشد، آنجا که انسان شروع به مداخله و تغییر یک منظر طبیعی با حفظ ماهیت آن می‌کند به مقوله منظر فرهنگی می‌رسد. به طور کلی مقیاس فرهنگی هر محیط، گرایشی برای ورود به مکان‌های طبیعی ایجاد می‌سازد با این تفاوت که با شرط حفظ عوامل طبیعی و با الگو گرفتن از آن شروع به مداخله و خلق رفتارها، الگوها و فرهنگ‌ها می‌کند.

منظر فرهنگی، مفهومی است در بردارنده ارزش‌های فرهنگی و طبیعی که نشانگر تعامل میان انسان و طبیعت در طول تاریخ است. مناظر فرهنگی آثار ارزشمندی هستند؛ دربرگیرنده، نگهدارنده و نشاندهنده هویت و تاریخ یک منطقه و ساکنین آن. منظر فرهنگی خلق شده طی استفاده مردم، تکامل یافته و فعالیت شخص و یا گروه، یک رویداد و واقعه‌ای تاریخی

آن قابل درک بوده و درجات متفاوتی از برخوردهای اجتماعی را در پی داشته و فرصتی برای ایجاد شبکه اجتماعی و بالابردن توان محیط فرهنگی، مذهبی و تفریحی فراهم کند تا در عین حفظ هویت مکانی، در جهت کارکرد موفقیت‌آمیز برای ساکنان به عنوان محیطی امن و آرام، امکان انتخاب مکانی در محیط شهری به عنوان حریم خصوصی در میان تراکم بالای شهری و تعامل اجتماعی فراهم شود و بتوان قرارگاه‌های رفتاری متناسب با فعالیت‌ها و نیازهای اجتماعی تشکیل داد.

نقش دین در مناظر فرهنگی

شاید قوی‌ترین نوع پیوند طبیعت و رسوم مردم را بتوان در مراکز آیینی و مقدس جستجو کرد. زندگی بسیار نزدیک با طبیعت از گذشته و به نسبت کمتری تا به امروز برای انسان‌ها بسیار مهم بوده است. در گذشته ارتباط صمیمی و خاص با طبیعت و مقدس دانستن آن، به نقطه عطفی در زندگی مردم تبدیل شد و نتیجه آن شکل‌گیری مراکز آیینی و مذهبی بود که در آنها، طبیعت مهم‌ترین عنصر و عامل تشکیل‌دهنده فضا بود.

دین مهم‌ترین عامل شکل‌دهنده در ساختار اجتماعی، فرهنگی و هنری جوامع سنتی به شمار می‌رود و علی‌رغم وجود تفاوت بین ادیان مختلف، می‌توان نکات مشترکی نیز بین آنها ملاحظه کرد. مهم‌ترین عامل در بقای اعتقادات و باورهای مردم، کالبدبخشیدن به آنها در قالب معابد و زیارتگاه‌هاست که عموماً در کنار عناصر مقدس طبیعت، بنا می‌شوند. اشتراک بین طبیعت و اصول و قوانین ادیان که در ارتباط با طبیعت معنا پیدا می‌کند، موجب ساخت بناهای زیارتی و مکان‌های مشابه شده که همه آنها گواه بر هم‌ریشه‌بودن این اماکن زیارتی با باورها و اعتقادات اساطیری ایران باستان است.

مکان‌های آیینی در بیشتر ادیان، براساس ویژگی‌های جغرافیایی، ویژگی‌های طبیعی محیط و در ارتباط نزدیک با طبیعت تعیین می‌شده است. کوه، آب، درخت از عناصر سه‌گانه و مقدس طبیعت هستند که مکان‌های زیارتی در کنار این سه عنصر برپا می‌شده‌اند و از این طریق کیفیات مثبت محیطی را متجلی می‌ساخته‌اند.

"باورهای آیینی ایران باستان در ارتباط مستقیم با طبیعت و بزرگداشت و نیایش عناصر طبیعی بوده است. بیشتر بناهایی که در دل کوه‌ها، کنار چشمه‌ها و درختان مقدس بنا شده و نیایشگاه نیاکان ما بوده‌اند و تا امروز نیز زیارتگاه زرتشتیان و مسلمانان است، طبق شواهد بسیار، پرستشگاه مهر و آناهیتا بوده که در مسیر تاریخ و با ظهور ادیان جدید دچار دگرگونی شده‌اند تا مناسب با عملکرد آیین نو باشند. بسیاری از این اماکن که امروز با نام چهارتاقی، آتشکده، امامزاده و یا مقابر پیران و بزرگان مشهورند، به گذشته‌هایی دور و آیین‌های جاری نیایش آب، آتش و آفتاب در زمان خود باز می‌گردد" (جوادی، ۱۳۸۶: ۲۲-۱۲).

مجموعه زیارتی پیرمراد بانه نیز جزئی از نیایشگاه‌های ایران

محیطی، فرصت‌های اجتماعی، تفریحی و آموزشی به درک بهتر جامعه از این سایت کمک می‌کند.

منظر فرهنگی به عنوان میراث ملی در یک جهان صنعتی در حال تحول نیاز به مطالعه در تغییرات اقتصادی، زیست‌محیطی، فرصت‌های اجتماعی، تفریحی و آموزشی دارد. بی‌توجهی و توسعه نامناسب مناظر شهری و مداخلات انسانی به طور فزاینده، میراث فرهنگی و منظرین جامعه زیستی را تحت تأثیر قرار داده و اغلب تصمیم‌گیری‌های کوتاه‌اندیش، بقا و تداوم این میراث فرهنگی را تهدید می‌کند. مراقبت از این سایت‌ها و تفسیر و تحلیل اقدامات صورت گرفته و اقدامات در حال اجرا، کیفیت زندگی را بهبود می‌بخشد و حس مکان و هویت منطقه را عمیق‌تر و بهتر به نسل‌های آینده منتقل می‌کند.

محوه مزار پیرمراد شهرستان بانه مدلی برای استفاده از یک زیستگاه طبیعی آمیخته با فرهنگ‌ها و باورهای یک جامعه است که توسعه مناسب آن، تأثیرات فرهنگی متنوعی بر پیشرفت مبادلات فرهنگی در یک منطقه خاص خواهد گذاشت.

ثروت‌های فرهنگی و لزوم حریم‌گذاری برای آنها^۳

مهم‌ترین اقدامی که پس از سال ۱۳۴۳ در ایران برای حفاظت و زنده نگه‌داشتن و کارکردن ثروت‌های فرهنگی صورت گرفته، تصویب قانون اساسنامه میراث فرهنگی کشور است. این قانون در سال ۱۳۶۷ تصویب شده و بر طبق آن، میراث فرهنگی شامل آثار باقی‌مانده از گذشتگان است که نشانگر حرکت انسان، در طول تاریخ بوده و با شناسایی آن، زمینه شناخت هویت و خط سیر فرهنگی انسان میسر و به بقای هویت و شخصیت فرهنگی جامعه منجر می‌شود. هدف نهایی، حفاظت، نگهداری و ارایه میراث فرهنگی و طبیعی و رشد انسان است. همچنین بر اهمیت حریم‌گذاری در مکان‌هایی تأکید داشته است که از دیدگاه فرهنگی، تاریخی، هنری، اجتماعی و زیست‌محیطی دارای ارزش و اعتبار هستند.

نیازهای اجتماعی در فضاهای فرهنگی - آیینی

طراحی فضای فرهنگی باید تجلی فیزیکی انتظارات فرهنگی باشد. یک محیط فرهنگی - آیینی از نقطه نظر زیبایی‌شناسانه باید پاسخگوی رفتارهای درست و نادرست اجتماعی باشد. از سوی دیگر تمایل و نیاز به سطوحی از تعامل اجتماعی در فضاهای مذهبی می‌تواند به عنوان امری لازم در طراحی مکان زیارتی عنوان شود که کمتر مورد توجه و قابل درک بوده است. الگوهای فضای فرهنگی - آیینی ارتباط زیادی با میزانی از برخوردهای اجتماعی دارند و تعاملات اجتماعی در حقیقت موفقیت یا عدم موفقیت در محیط اجتماعی این فضاها را تعیین می‌کند.

برای تداوم حیات مدنی فضاهای فرهنگی - آیینی، به کیفیتی از زیبایی‌شناسی چیدمان محیطی نیاز است که توسط کاربران

با بررسی هویت مجموعه پیرمراد در واقع نشان می‌دهیم که درک زیبایی محیطی، تنها ادراک عناصر سازنده آن در زندگی امروزی این مجموعه نیست. بلکه درک این موضوع است که چگونه باید الگوهای منظرین آن را در طول تاریخ تا به امروز به عنوان یک کل دارای وحدت نگریست. باید طراحی سلسله‌مراتب، رنگ، بافت، نیروهای بصری، حس مکان و ... در یک فضای باز طبیعی در قالب یک منظر فرهنگی به کار برده شود و کیفیات فضایی را با همبستگی روح مکان همراه با تنوع قابل درک ناظر آن به وجود آورد.

• کیفیت مکان

منظر با کیفیت ضعیف، سبب می‌شود تا واکنش کمتری نسبت به محیط در انسان ایجاد کند. به دلیل کیفیت متوسط غالب فضاهای اطرافمان، واکنش‌ها نیز در بیشتر مواقع و در اکثر مکان‌ها در همین سطح متوسط باقی می‌ماند (مخلص، ۱۳۹۰). برای به وجود آوردن محیطی جذاب به تنوع نیاز داریم. با ایجاد مکان‌های متنوع در یک فضای فرهنگی- مذهبی که دارای قابلیت دسترسی برای همه باشد، می‌توان به نیاز جامعه امروز پاسخ داد. ایجاد تنوع در طراحی با استفاده از مقیاس‌ها و لایه‌های متفاوت و متضاد در طول تاریخ حیات آن تعریف می‌شود که همین تنوع محیطی، بر حسب ساختار منظمی در کل آن، همبستگی فرهنگی و اجتماعی قابل درکی را به وجود می‌آورد و در نتیجه، روح مکان در آن از خصوصیت منحصر به فردی برخوردار خواهد بود: در واقع یک منظر طراحی شده که تجلی زیبایی از تمامی فرایندهای موجود در یک دوره زمانی با کیفیت خاص آن است (چپ من، ۱۳۸۶: ۱۷۶).

• هویت‌بخشی مجموعه پیرمراد بانه

استقرار و شکل‌گیری مجموعه آیینی پیرمراد در ابتدا تحت تأثیر مستقیم طبیعت و شرایط طبیعی مکان آن قرار گرفته و به عنوان یک مسیر تفریحی و آیینی در گذشته ایفای نقش می‌کرده است. با گذشت زمان و به دلیل نبودن برنامه درست و منسجم، مدیریت و طراحی شهری، سازگار و موافق با نیروهای طبیعی و هویتی آن نبوده و فضاهای طبیعی جای خود را به جاده‌ها و کاربری‌های نامناسب در اطراف آن داده است. توسعه این مسیرها در مسیر عدم پایداری طبیعت، الگوهای ساختاری و تاریخی آن و کارکرد اصلی محور پیرمراد پیش می‌رود که در برآوردن نیازهای نسل امروز به فضاهای فرهنگی، تفریحی و مذهبی در شهر به مشکل خورده است. اما این واقعیت را نمی‌توان عوض کرد که هرگز مکانی تاریخی و آیینی جز با تحرک و فعالیت‌های مردمی نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد.

مجموعه مزار پیرمراد بانه در حاشیه جنوب شرقی شهر در یک رابطه و تعامل دو سویه طبیعت و توسعه شهری باید هماهنگ با هم پیش رفته و گسترش پیدا کند. در طراحی منظر مجموعه، باید آرمان‌های ایجاد مناظر آیینی- زیارتی مد نظر قرار گرفته و

باستان و در ارتباط با عناصر مقدس طبیعت است که تاریخ آن به دلیل مکتوب نبودن تا به امروز مبهم مانده است اما با توجه به شواهد موجود و حیات آیینی آن از گذشته تا حال و بررسی نمونه‌های مشابه در سراسر کردستان و سایر نقاط ایران می‌توان گفت این مجموعه در زمره نیایشگاه‌های باستانی قرار دارد که در دوران اسلامی تغییر محتوا داده و با آیین جدید همسو شده است.

ادراک فضا در پیرمراد

تأثیر طبیعت بر توسعه و بالعکس باید دارای توازنی دو طرفه و امکان درک جنبه‌ها و موضوعات مختلف آنها در مکان‌ها و جایگاه‌های خاص خود باشد (یل، ۱۳۸۶: ۶۸). درک عمومی جریان‌های پیرمراد امروزی طی کرده است، برای فهم کارکردهای اجتماعی، فرهنگی و آیینی آن ضروری است. اگر چه شناسایی و تشریح اشکال متفاوت فرهنگی به ظاهر نسبتاً ساده‌اند، اما نیروهای شکل‌دهنده آنها متعدد و به گونه‌ای پیچیده و به هم وابسته‌اند که فهم و بیان این پیچیدگی نیازمند توجه دقیق به جزئیات آن است. هویت مکان و ادراک فضای مجموعه پیرمراد به عنوان پهنه‌ای فعالیتی و هویتی ویژه در بانه، مستلزم بررسی عناصر عینی و ذهنی سازنده مجموعه و ارتباط آنها با هم است.



تصویر ۱۰. قرارگیری مزار پیرمراد در کنار عناصر سه گانه آب، درخت و کوه. عکس: فرنوش مخلص، ۱۳۹۱.

Fig. 10. Location of Pir-e Morad Shrine near the elements of water, tree and mountains. Photo by: Farnoosh Mokhles, 2011.

چشمه آب، درخت، کوه و فعالیت‌های مردم از عناصر عینی این مزار باستانی هستند که به این مکان از لحاظ کالبد معنا داده‌اند. خاطرات مردم، فرهنگ، آداب و رسوم حاکم بر این منطقه، تاریخ آن از گذشته تا به امروز و سلسله‌مراتبی که در مسیر پیرمراد طی می‌شود تا به مزار برسند تعریف‌کننده عناصر ذهنی و شکل‌دهنده هویت پیرمراد هستند. اما در کل، آنچه در تعریف این مکان غالب و اثرگذار است عناصر ذهنی مجموعه و سایر عناصر عینی موجود در آن است که خود به گونه‌ای توجیه‌کننده ساختار طبیعی اطراف سایت و قداست عناصر طبیعت هستند (تصویر ۱۰).

پیرمرد انجام شد که باعث از بین رفتن منظر طبیعی و مقدس مجموعه شده است. اقداماتی در از بین بردن طبیعت اطراف آن که موجب سست شدن و کم اهمیت شدن محور مذهبی- فرهنگی مجموعه شد. حضور آلاینده‌های محیطی اعم از احداث راه در قلب طبیعت بکر اطراف مجموعه، پوشش گیاهی نامناسب، برهم زدن ساختار کلی مجموعه، اسکان کاربری‌های نامناسب و عدم استفاده مناسب از مصالح متناسب با محیط، عدم توجه به تاریخ و اهمیت مکانی پیرمرد در ضلع جنوب شرقی بانه، همگی از جمله اقدامات کاملاً نامناسب در راستای تخریب منظر فرهنگی و چهره مقدس مجموعه است (تصاویر ۱۱ و ۱۲).

این توسعه ناموزون و تدریجی که حاصل چند دهه اخیر است، امروزه با توجه به افزایش تعداد بازدیدکنندگان و به تبع آن افزایش رونق این مکان، دستخوش مداخلات غیر موزون و شکل‌گیری

فضاهای باز جمعی و مسیرهای تعاملی انسان‌ها، در آن مورد تأکید قرار گیرد. برای ایجاد هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و پایدار بین توسعه شهری و طبیعت و حفظ فرهنگ دیرینه منطقه، برنامه‌ریزی و مدیریت مجدد ساماندهی سایت پیرمرد ضرورت دارد.

• کیفیت سرزندگی پیرمرد

این مجموعه به عنوان یک شریان اصلی فرهنگی و تفریحی و محیط انسان‌ساخت، مجموعه‌ای از تغییرات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و وقایع تاریخی، تصمیمات و فشارهای دوران حیات خود است. اما سرزندگی آن بیشتر بسته به آن است که این محور چگونه با روندهای جاری کنار می‌آید. سرزندگی در آن قبل از هرچیز منوط به شیوه‌های پاسخگویی آنها به تمایلات و فشارهایی است که بر ماهیت امروزی آن تحمیل می‌شود. آسایش و اینکه چه اندازه یک مرکز به عنوان یک مکان خوشایند است، از معیارهای اصلی سرزندگی و سلامت است.

شرایط بقای مناظر فرهنگی

در سمینار انجمن بین‌المللی یونسکو که در ۱۶ آوریل ۲۰۰۵ در انگلستان برگزار شد شرایط زیست منظر فرهنگی به عنوان یک «چالش شهروندی» مطرح شد که با توسعه روزافزون زندگی شهری و صنعتی و گسترش مخرب آن در طبیعت موجب از بین رفتن مناظر میراث فرهنگی می‌شود. بنابراین هدف اصلی، مدیریت دانش و حفاظت از منظر فرهنگی در تمامی مظاهر آن از طریق خود شهروندان و ارتباط برقرار کردن درست با مناظر فرهنگی، استفاده از همکاری کارشناسان و رویکردهای علمی بین رشته‌ای منظر مانند علوم جامعه‌شناسی، اجتماعی، اقتصادی، شهرسازی و طراحی شهری است. از دیگر اهداف حفاظتی، تعمیر و نگهداری بافت‌های سنتی، غنی‌سازی شریان‌های اجتماعی و فرهنگی، استفاده مناسب و مطابق با نیازهای روز از زمین و بهره‌گیری درست از سایت‌های فرهنگی جهت ارتقای سطح میراث معنوی و ارزشی در حال حیات شهرها و حفظ تنوع فرهنگی و زیستی و هدایت آنها در جهت درست و سازماندهی شده است. بررسی نقش سایت‌های مقدس در مناظر طبیعی و فرهنگی و بررسی مسایل حیاتی مانند ارتقای نقش جوامع بومی و محلی به عنوان متولیان سایت‌های مقدس طبیعی و فرهنگی با استفاده از رویکردهای مبتنی بر حقوق بشر، با هدف کمک به رفاه جامعه استفاده‌کننده و حفاظت از تنوع زیستی و فرهنگی از این سایت‌ها و مناظر، مشارکت بین سازمان‌های دولتی و غیر دولتی، جامعه علمی و ادغام دانش‌های اجتماعی، اقتصادی، جامعه‌شناسی و حتی شناخت درست از پویایی حیات تاریخی و فرهنگی سایت، الزامی است.



تصویر ۱۱. عدم ساماندهی محوطه مزار پیرمرد. عکس: فرنوش مخلص، ۱۳۹۱.
Fig. 11. Disorganizing Condition of Pir-e Morad Shrine.
Photo by: Farnoosh Mokhles, 2011.



تصویر ۱۲. عدم برنامه‌ریزی در مداخله و تخریب طبیعت اطراف مجموعه. عکس: فرنوش مخلص، ۱۳۹۱.
Fig. 11. Lack of appropriate planning and damages inflicted on nature around the complex. Photo by: Farnoosh Mokhles, 2011.

تأثیر عدم برنامه‌ریزی در ساماندهی منظر فرهنگی پیرمرد متأسفانه بدون مطالعه و بررسی‌های لازم، طرح‌هایی در محوطه

در شأن و جایگاه این مکان نبوده و لازم است علی‌رغم هزینه‌های انجام شده، هرچه سریع‌تر در تغییر و بازسازی آن اقدام شود.

ناهنجاری شده که لازم است هر چه سریع‌تر مورد رسیدگی قرار گیرد. ساخت و سازهای اخیر که بدون توجه و درک فلسفه وجودی این مکان، در باغ و محوطه اطراف آن انجام شده است، به هیچ وجه

نتیجه‌گیری

مناظر فرهنگی به مثابه پلی میان حال و گذشته محسوب می‌شوند که به واسطه آنها انسان امروزی می‌تواند به درک و فهم قابل قبولی از گذشته و هویت خویش دست یابد. بنابراین در درجه اول شناخت این مناظر و ارزش‌های هویتی و فرهنگی آن و در مرحله بعد تلاش در جهت حفاظت و نگهداشت این ارزش‌ها برای انتقال آنها به نسل‌های آتی حایز اهمیت است.

همانگی که توسط انسان و درگذر زمان، بین یک بنا و محیط اطراف آن ایجاد شده اهمیت فراوانی دارد که به عنوان یک اصل کلی، نباید در آن مداخله یا تخریب شود. همچنین تنهاسازی یک بنا در نتیجه تخریب محیط اطراف آن و یا جابه‌جایی مجاز نیست مگر آنکه ملاحظات آنی، توجیه‌کننده حل آن باشد.

شناخت منظر فرهنگی پیرمراد، شناخت هویت‌های خاص آن و ارتباط آنها با یکدیگر، از الزامات جایگاه امروزی آن است. مجموعه پیرمراد به عنوان شریان اصلی تفریحی و زیارتی مفصلی بین طبیعت و منظر مدرن شهری و یک مجموعه فرهنگی - مذهبی در بانه امروز استو نیز یکی از پهنه‌های فعالیتی و هویتی ویژه نسبت به دیگر زیارتگاه‌های بانه، ویژگی‌های بالقوه‌ای دارد که محصول تاریخ آن است. این مجموعه، مرکز فرهنگی - مذهبی از گذشته دور تا به امروز وجود داشته اما تاکنون هویت خاص آن، مبنای ساماندهی فضایی آن قرار نگرفته است؛ از این‌رو حفظ و شناخت ویژگی‌های هویتی و تاریخی، فرهنگی و آیینی آن برای تداوم هویت منظرین لازم و ضروری است.

مجموعه فرهنگی - آیینی پیرمراد، با رابطه تاریخی میان انسان و محیط طبیعی خود، پتانسیل بسیار مناسبی برای توسعه پایدار و بهبود استانداردهای زندگی مردم با توجه به ظرفیت عظیم گردشگری فرهنگی، اوقات فراغت و تفریحی دارد که با مطالعه درست و بازشناسی ساختارهای این مجموعه می‌توان بهره‌برداری‌های لازم را برای هماهنگی آن با نظام طبیعت و زندگی امروزی مردم به عمل آورد.

پی‌نوشت‌ها

۱. قسمتی از پژوهش حاضر، برگرفته از مقالات و مصاحبه‌های حضوری با اساتید زرتشتی و مدرسین دانشگاه تهران، به قرار زیر است: دکتر فریدون جنیدی استاد بازشناسی شاهنامه و آداب و رسوم باستانی در دین زرتشت، دکتر «شهره جوادی» محقق در زمینه مطالعات عالی هنر و جایگاه طبیعت در پیوند با فرهنگ و آیین مردم، دکتر «فرزانه گشتاسب» محقق آداب و رسوم و آیین زرتشت، «رئوف توکلی» تاریخ‌نویس و محقق تاریخ و جغرافیای کردستان، رحمان اختیاردینی و مصطفی اختیاردینی از بزرگان خاندان اختیاردینی در شهر بانه که در تهیه کتب تاریخی، شفاف‌سازی مطالب و اسناد بدست آمده کمک شایانی کرده‌اند. اسناد استفاده شده در این مقاله از مجموعه اسناد تاریخی و موروثی خانواده اختیاردینی‌ها در شهرستان بانه و برگرفته از آرشو آقای مصطفی اختیاردینی است.

۲. در زبان کردی، دکانان تخت‌گاه حکومتی حاکمان زرتشتی بوده که بر روی صفا‌های بلند قرار داشته و دور تا دور صفا را سنگ چین می‌کرده‌اند و بر روی آن تک درختی با تاج انبوه می‌کاشتند. معمولاً این تخت‌گاه‌ها (دکانان) در جوار آتشکده یا مکانی مقدس ساخته می‌شده‌اند. قسمت پایین صفا محل تجمع مردم در زمان جشن‌های باستانی و مراسم حکومتی و روی صفا جایگاه حاکم وقت و خانواده او بوده است. در واقع این مکان، محلی برای تجمع مردم و رسیدگی به مشکلات و رفع نیازهای آنها بوده است.

۳. این مطالب برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد معماری منظر «پروانه غضنفری» با عنوان «طراحی منظر چشمه علی دامغان» به راهنمایی دکتر «سید امیر منصوری» و مشاوره دکتر «شهره جوادی» است که در دانشکده معماری دانشگاه تهران در حال انجام است.

فهرست منابع

- بل، سایمون. ۱۳۸۲. منظر: الگو، ادراک، فرایند. ت: بهناز امین زاده. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- توماس، درک. ۱۳۸۹. معماری و محیط شهری. ۱۳۸۹. ت: فرشته پاشایی کمالی و میترا هنرجو. اصفهان: انتشارات خاک.
- توکلی، محمد رئوف. ۱۳۸۷. جغرافیا و تاریخ کردستان بانه. تهران: انتشارات توکلی.
- «وفیق قه فتان، میژووی. حوکمدارانی بابان له: قه‌لا چوالان تا دروست کردنی شاری سوله یمانی، ۱۹۹۹-۱۰۸۰- کوچی ۱۷۸۴-۱۶۶۹. زایین . مه هاباد: چاپ مه نی سیدیان.
- سنجی، میرزا شکرالله. ۱۳۶۶. تحفه ناصری؛ تاریخ و جغرافیای کردستان. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- شرف‌خان بن شمس‌الدینی بدلیسی. ۱۳۷۷. شرفنامه تاریخ مفصل کردستان. ۱۳۷۷. به اهتمام ولادیمیر ولییا مینوف زرنوف. تهران: انتشارات اساطیری.

- جوادى، شهره. ۱۳۸۶. اماکن مقدس در ارتباط با طبیعت (آب، درخت و کوه). فصلنامه باغ نظر، ۴ (۸) : ۲۲-۱۲.
- چپ من، دیوید. ۱۳۸۴. آفرینش محلات و مکانهای در محیط انسان ساخت. ت: شهرزاد فریادی و منوچهر طیبیان. تهران: دانشگاه تهران.
- فلامکی، محمدمنصور. ۱۳۸۴. حریم‌گذاری بر ثروت‌های فرهنگی ایران. تهران: مؤسسه علمی و فرهنگی نشر فضا.
- کرت گروتز، یورگ. ۱۳۸۳. زیبایی‌شناسی در معماری. ت: جهانشاد پاکزاد و عبدالرضا همایون. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- کلارک، کنت. ۱۳۷۰. سیر منظرپردازی در اروپا. ۱۳۷۰. ت: بهنام خاوران. تهران: نشر ترمه.
- مخلص، فرنوش. ۱۳۹۰. پیاده‌راه مطلوبیت منظر شهری؛ نقش پیاده راه در ساماندهی منظر خیابان ولیعصر. همایش بین‌المللی زندگی پیاده در شهر. اسفند ۱۳۹۰. تهران: سازمان زیباسازی شهر تهران.

Reference List

- Fowler, P.J. (2003). *World Hertaige cultural Landscapes 1992-2002*. world Heritage papers 6 (2003). Paris: Unesco world Heritage center.
- Bell, S. (1382). *Landscape: pattern, perception and process*. Translators: Behnaz Aminzadeh. Tehran University Press.
- Thomas, D. (1389). *Architecture and Urban Environment*. Translator: Translated by Kamali Pashaei, F & Honarjou, M. Esfahan: Khak Press.
- Tavakkuli, M. R. (1387). *Bane of Kurdistan geography & history*. Tehran: Tavakkuli.
- Taufiq, Gh. (1387). *History of Baban ruling in Chvalan castle till construction of Sulaymaniyah city (Iraq), 1080- 1999, Kochi ,1669 -1784, Zayyny*. Mahabad: Seyedian National Press.
- Sanandaji, M. Sh. (1366). *Nazareth Gifts, the history and geography of Kurdistan*. Tehran: Amirkabir.
- Shams al-Din Ibn Sharaf Khan Bdlysy (1377). *Shrafnamh, comprehensive book about Kurdistan History (1377)*. by the efforts of Vladimir Vlyamynvf Zrnvf. Tehran Astatiri Press.
- Javadi, Sh. (1386). Holy Places in touch with nature (water, trees and mountains). *Bagh- e nazar*, 4 (8) :12-22,
- Chapman, D. (1384). *Creating neighborhoods and places the man-made environment*. Translated by Faryadi, Sh. & Tabibiyan, M. Tehran: University of Tehran.
- Falamaki, M. M. (1384). *Sharing the wealth of cultural boundaries of Iran*. Tehran: Faza Cultural- Scientific Institute Press.
- Grutter Jorg, K. (1383). *Aesthetic architecture*. Translated by Pakzad, J & Homayun, A. Tehran: Shahid Beheshti University.
- Eshrati, P. (1388). *Cultural Landscape*. Manzar journal 1 (2): 24-27.
- Mokhless, F. (1390). *Utility pedestrian path of urban landscape. Pedestrian path role in organizing ValiAsr street landscape*. International Conference on the City Pedestrian Life, march 2012. Tehran: Sazman- e Zibasazi.
- Clark, K. (1370). *Scenic course in the art of making Europe*. Translated Khavaran Behnam. Tehran: Termeh.

Pir-e Morad Shrine, the Cultural-Religious Perspective of Baneh City*

Farnoosh Makhles**

Ahmad Ali Farzin***

Shohre Javadi****

Abstract

There is a wide variety of landscapes that represent different regions of the world. One type which consists of natural and man-made landscapes recounts a long and friendly relationship between humans and the natural surrounding environment.

Perhaps, it could be said that in the whole process of civilization formation, human development and activities were the dominant side and the generated landscape was more cultural than natural. To understand the relationship between culture and nature, it is necessary to identify landscape patterns.

Natural landscape is a place on which no human interference can be seen. Where human being starts to interfere and manipulate for securing its nature, cultural landscape emerges. In general, culture scale causes a tendency for getting into places, with the difference that it aims at preserving the natural elements.

Cultural perspective is a natural landscape shaped by human. It can vary from extensive historical and urban areas to a small farm. This type of landscape expresses visual visage, man-made space and the governing relationship, artwork, texts, stories, verbal culture, and the effects of indigenous identity in a regional platform with which it is related. The cultural landscape is a geographical landscape in which culture and nature combine in touch with historical events, human activities, and performance of ritual rites based on the old beliefs of the locals of a region which has aesthetical values.

In certain art societies and from the viewpoint of theoreticians, the concept of cultural landscape is a contained surface same as a plan or text in which the social and cultural concepts are taken into consideration in a society which holds interaction between human activities and natural habitat. In a larger sense, the entire surface is occupied by interaction techniques, beliefs, rituals, concepts and traditions of the people in a cultural perspective. Pir-e Morad shrine yard accompanied by the surrounding nature of Baneh city is a historical example of cultural landscape. The geographical characteristics of this landscape and its close connection with nature on the one hand, and being in the margin of the city on the other, have made it a milestone in the locals' life from religious and recreational point of view.

As the beating heart of the religious-recreational complex, Pir-eMorad Shrine is the converging point of nature and modern urban landscape. In comparison to other shrines in Baneh City, Pir-e Morad has a special potential in terms of its yard limits, which is the product of its history. This has generated symbols which are both concrete (Pir-eMorad springs, old sycamore tree, etc.) and abstract (culture, history, etc.) The particular identity of this old cultural-religious center of Baneh City was not the basis of its spatial organization. Preservation of the identity, history, culture and religious characteristics of Pir-e Morad is a must for survival of its perspectives and landscape. The main objective of the present paper is to study the principles and concepts of cultural and natural landscape reflected in Iran's natural perspective with different ritual thoughts in pre-Islamic and Islamic periods.

This paper studies Pir-e Morad shrine and its cultural-ritual practices and emphasizes this fact that the legacy of this cultural landscape has its origins in the ritual thoughts of this land. The connection with nature fulfills the physical and spiritual needs of visitors, and insures their stability and survival with the passage of time and their rising to prominence as a unified entity. A better understanding of these structures can help us in organizing cultural perspectives and harmonizing them with the global systems in order to make the most out of these natural-cultural sites.

Keywords

cultural perspective, cultural landscape, Pir-e Morad Shrine, space perception, place identity.

*. This article was extracted from the theoretical issues of the MA thesis of Farnoosh Makhles in Landscape Architecture under supervision of Dr. Ahmad Ali Farzin and under advisership of Dr. Shohre Javadi in University of Tehran.

** M.A in Landscape Architecture, Art and Architecture School, University of Tehran
farnooshmakhles@ymail.com

*** PhD in Architecture, Art and Architecture School, University of Tehran
aafarzin@hotmail.com

**** PhD in Art History, Assistant Professor in Art and Architecture School, University of Tehran, faculty member of Nazar Research Center. Javadi1336@gmail.com